

عنوان مقاله:

جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط

محل انتشار:

نهمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم معماری و شهرسازی ایران (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسندگان:

غزاله قوی پنجه - کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جلفا، ایران

ناهید اکبری - کارشناسی ارشد مهندسی معماری داخلی دانشگاه غیرانتفاعی آیدانا

خلاصه مقاله:

اگرچه پدیدارشناسی اساساً بحثی فلسفی است که در پی شرح آشکارگی و هویدایی بیواسطه پدیدارها بر آگاهی ما است واز سوی فیلسوفان بزرگی چون هوسرل، هاایدگر، مرلوپوتتی و باشالر شرح و بسط یافته است، اما دامنه نفوذ و تاثیر آن هرگز بر فلسفه محدود نگردیده است، بلکه عرصه های مختلف دانش و هنر از دین و جامعه شناسی گرفته تا نقد هنری را در بر گرفته است. در این میان معماری و شهرسازی جایگاه ویژه ای دارد. همزمان با تفکر فرانوگرایی که در آن نظریه پردازان معماری و معماران در پی بازخوانی انتقادی معماری مدرن بوده اند، پدیدارشناسی فلسفی توانست نقطه عزیمت مطمئنی را برای آنان فراهم آورد و افقی نو به روی درکو دریافت معماری و محیط بگشاید. این مقاله در پی آن است تا با مطالعه متون اصلی پدیدارشناسان در دو عرصه فلسفه و معماری، وضعیت پدیدارشناسی معماری و محیط را مورد توجه قرار دهد در این راستا ابتدا پدیدارشناسی فلسفی که نقطه عزیمت پدیدارشناسان معماری بوده مورد بررسی قرار گرفته و با اشاره به تفاوت قرائت های پدیدارشناسان نشان داده می شود که چگونه هر یک بر حسب اهداف و دغدغه های خاص خود تلقی متمایزی از قابلیت ها و اهداف پدیدارشناسی دارند در نهایت وضعیت پدیدارشناسی معماری و محیط در مقایسه با موقعیت پدیدارشناسی فلسفی مطالعه شده و خاطر نشان می گردد که این وضعیت عمدتاً متأثر از اندیشه های دوپدیدارشناس برجسته، مارتین هایدگر و موریس مرلوپوتتی است.

کلمات کلیدی:

پدیدارشناسی، معماری، فلسفه، تحلیل محیط، نظریه معماری، کنش معماری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1893465>

